

قربانیان منجلا ب «جنگ تروریستها»، به میدان آمده اند بیست سال پس از فاجعه یازده سپتامبر!

آذر مدرسی

یازده سپتامبر بیست سال قبل برای نسل جوان جهانی که از دنیای پیش از آن خاطره ای ندارد، شروع جنگی بود که امروز و بخصوص با بازگشت دوباره طالبان به قدرت در افغانستان، تشخیص صف برنده ها و بازنده های آن فاجعه و فجایع جهانی بشمار دیگر پس از آن، برایش گنگ و مبهم است! ابهامی که سرعت و با نگاهی سریع و گذرا به رویدادهای پیش و پس از آن، برطرف میشود و جهانیان به عینه می بینند که برنده آن «جنگ تروریستها» هر دو قطب تروریست و بازنده آن مردم بیگناه در اقصی نقاط جهان و بخصوص در خاورمیانه اند و منجلا ب جهانی که بر سرشان خراب شده است!

از سرباز آمریکایی و بریتانیایی که حب خونریزی «اجتناب ناپذیر» را قورت داده بود، تا جوانان فلسطینی بی گناهی که ارتجاع اسلامی دهه ها از مصائب آنها برای خود در تخصصات جهانی سرمایه سیاسی ساخته بود، تا شهروند اسرائیلی که برایش از هماران خانه و مدرسه مردم بیگناه غزه سنگر «دفاع از خود» ساخته بودند، بیست سال پس از یازده سپتامبر، «جنگ تروریستها» جنگی برای ائتلاف خون و جان و انسانیت بود! موج برگشتی که ناچار است بپذیرد که جنگ با تروریسم، دولتی و غیردولتی، میلیتاریستی یا انتحاری، تنها و تنها کار بشریت متمدن، کار جنبش های مترقی و مردمی و کار جنبش سوسیالیستی است! جنایت تروریستی ۱۱ سپتامبر سوت ورود جهان به دوره ای سیاه و ویرانگر، دوره رشد میلیتاریسم و تروریسم در شکل دولتی و غیر دولتی آن، رشد باندهای تروریستی اسلامی، گسترش ناامنی و کشتار و ویرانی در چهار گوشه جهان بود.

طرفین این جنگ ارتجاعی، یکی به نام مبارزه ضد قدرتهای امپریالیستی بعنوان اشغالگران و مسببین و بانیان اصلی مصائب مردم خاورمیانه و دیگری به نام «مبارزه با تروریسم»، خاورمیانه را به صحنه کشتار و قتل عام، به میدان تاخت و تاز مجهزترین ارتشهای جهان و باندهای قومی و مذهبی تبدیل کرده و با کشتار میلیونی، آوارگی، زندگی و مدنیت بخشی از این جغرافیا را به نابودی کامل کشانند. ... صفحه ۳

- کارگران جهان متحد شوید!

«کنگره سراسری شوراهای مردمی» و آشتی با کشورهای همسایه

از حکمتیست میپرسند:



مقدمه: حزب حکمتیست (خط رسمی)، سیاستها و اقداماتش مورد سوال قرار میگیرد و تعدادی در این موارد اظهار نظر می کنند و یا انتقاداتی مطرح می کنند. نشریه حکمتیست در هر شماره یک یا چند مورد از این سوالها را انتخاب می کند و با توجه به مضمون و محتوا، آنها را با رهبری حزب در میان می گذارد و پاسخهای آنها را، تحت عنوان «از حکمتیست می پرسند»، منتشر می کند. در این شماره یکی از این سوالات را با امان کفا از رهبری حزب، در میان گذاشته ایم.

حکمتیست: چرا از همین حالا اعلام میشود که «کنگره سراسری شوراهای سیاست «آشتی با همه کشورهای همسایه» را اعلام می کند؟ چرا صبر نمی کنید تا کنگره، بنا به شرایط روز، تصمیم بگیرد. فراتر اینکه آیا چنین اعلامی به این معنی است که کنگره سراسری شوراهای برای نمونه با دولتی مانند دولت طالبان «آشتی» می کند؟

امان کفا: این سوال دو جنبه دارد که بهتر است به هر کدام جداگانه پاسخ دهم. اول اینکه چرا «اعلام آشتی» و دوم زمان این اعلام، یعنی چرا به برگزاری کنگره موکول نمی شود. ... صفحه ۴

امپراتور برهنه است!

فواد عبداللہی

می گویند تا پایان سال ۲۰۲۱ میلادی، تعدادی از دولت های ثروتمند جهان، از جمله آمریکا، اتحادیه اروپا، انگلستان، کانادا و ژاپن، جمعا ۱.۲ میلیارد دز واکسن کرونا را تولید کرده و در انبارهای خود ذخیره خواهند داشت و به کسی هم اهداء نمی کنند. علاوه بر این ذخایر، تاکنون میزان واکسیناسیون در حوزه کشورهای مترویل به پانصد میلیون دز رسیده است. مدیر سازمان بهداشت جهانی طی سخنانی از یک «نامیدی کامل» در توزیع واکسن در سطح جهان سخن گفت و ابراز داشت که از مجموع دزهای تولید شده در سطح جهان، ۷۵ درصد آن به ده کشور اختصاص داده شده است و این درحالیست که پوشش واکسیناسیون در سایر نقاط دنیا مانند آفریقا دو درصد است.

در جهانی که سرشار از ثروت و نعمات مادی و رفاهی برای همه است، این سطح از کراحت در توزیع نابرابر امکانات در تاریخ بشر کم سابقه است؛ امسال سال ۲۰۲۱ است. پانصد هشتاد سال از اختراع اولین ماشین چاپ می گذرد؛ دویست و چهل سال از اختراع متور بخار و دویست سال از اولین انقلاب صنعتی جهان می گذرد؛ دو قرن از اختراع اولین «غول آهنی» یعنی لوکوموتیو قطار در تاریخ می گذرد. صد و هجده سال از توسعه و اختراع اولین هواپیمای «گلابدر» گذشت. ... صفحه ۴

این تهدید و گردن کشی شکست خواهد خورد!

در حاشیه تهدیدات سپاه پاسداران علیه مردم کردستان و

اپوزیسیون مستقر در آنجا

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

در مورد «آشتی» بایستی بگویم که صرف اعلام آن، تفاوت ماهوی و جدی کنگره سراسری را با نوع رابطه و سیاست سایر راه های موجود، چه در پوزیسیون و چه در اپوزیسیون، نشان می دهد.

جمهوری اسلامی از همان ابتدا برای تحمیل خود، چه برای امتیاز گیری از غرب و مشخصاً آمریکا، چه برای کسب موقعیت در مقابل نیروهای اصلی منطقه، روی هر گونه تشدید تخصیصات در این منطقه سرمایه گذاری کرده است. پشتیبانی های نظامی تسلیحاتی، ارسال بسته های گوناگون تقویتی و سیاسی، شکل دادن به حشدالشعبی و فاطمیون و حزب الله و ... و دخالت های پیوسته در این منطقه بیانگر این سیاست جمهوری اسلامی بوده و هست. از طرف دیگر، حتی یار و یارکشی ها در افغانستان، چه آفوق که تحت عنوان مقابله با داعش سرازیری می کردند، و یا همراه با نیروهای قومی مذهبی، همواره رد پای جمهوری اسلامی را می توان دید. این مسلماً محدود به جمهوری اسلامی نبوده و نیست، حتی در حکومت پهلوی هم دخالت های نظامی و مستقیم در عراق و ژئیر (کنگو) را شاهد بوده ایم. در تمامی این تخصیصات، مردم کل این منطقه همواره، نه تنها توسط بورژوازی حاکم در کشورهاشان، بلکه چه مستقیم توسط ارتش های آمریکا و ناتو و یا بگونه ای نیابتی بدست انواع گروه ها و دستجات دست ساخت آنها و کشورهای اصلی خاورمیانه، تحت فشار و حمله و جنگ بوده اند.

کنگره شوراهای، خواهان پایان یافتن این سیاست جنگی، و امکان دادن به مردم و مشخصاً طبقه کارگر این منطقه برای یکسره کردن مبارزه اش علیه کل بورژوازی حاکم است. کنگره شوراهای مردم، نه خواهان گسترش و سیاست های عظمت طلبانه بورژوازی ایران است، نه نیازی به ادامه سیاست موجود جنگی برای کسب امتیاز دارد و نه نیازمند دامن زدن به فضای جنگی برای سرپا نگه داشتن خود می باشد. به همین دلیل، سوت پایان این جنگ های فرسایشی موجود را می زند. کنگره شوراهای، با اعلام چنین آشتی، در حقیقت مخالفت خود را با هرگونه نظامی کردن کل این منطقه ابراز می کند. فضای نظامی که توسط بورژوازی جهانی و قدرت های ریز و درشت این منطقه برای تقسیم بندی ها و حوزه های نفوذ و در یک کلام مقابله با هرگونه مبارزه و آزادیخواهی مردم این منطقه دهه ها هست که عجین شده است. «کنگره سراسری شوراهای مردمی» بلاواسطه فوری به این دور باطل جنایت و جنگ و کشتار خاتمه می دهد.

اعلام این امر، در عین حال نشان دهنده این هم هست که «کنگره»، مانع هر نوع تعرض و تعدی و یا تحمیل جنگ به ایران، به هر بهانه و مستمسکی است. نظامی کردن فضای جنگی، همیشه ابزاری برای اعمال فشار و محدود کردن مبارزه طبقاتی بوده است و کنگره شوراهای از همان ابتدا سیاست خود را در مقابل این اعمال فشار مشخص کرده و اعلام می کند.

جنبه دیگر این است که چرا حالا، و چرا نباید صبر کرد تا «کنگره سراسری» تشکیل شود. اینجا هم جایگاه و نقش آلترناتیو «کنگره سراسری شوراهای» برجسته است. کنگره شوراهای، برخاسته از شرایط امروز و آلترناتیو حی و حاضر و مبتنی بر خواسته های موجود در ایران است. جمهوری اسلامی و سپاه پاسدارانش، در حال حاضر مشغول پیماران و حمله در کردستان عراق هستند و مردم ایران به کرات انزجارشان را این سیاست بیان کرده اند. حکومت مردم بر مردم، «کنگره سراسری شوراهای مردمی» دولت موقت انقلابی است که برای تثبیت قدرت مردم، برای امکان دادن به مردم که آینده خود را بدون هراس از جنگ و دخالت نظامی و سیاسی و ... رقم بزنند از هر تشنج و کشمکش که میتواند خللی در این اعمال قدرت و تثبیت آن وارد کند پرهیز میکنند. آشتی و جنگ نکردن با دولتهای مرتجع منطقه، از طالبان تا اسرائیل، به معنی به رسمیت شناختن سیاستهای ارتجاعی آنها و یا احترام به آنها نیست. هدف این بند اولاً مقابله با جنگ و مداخله گری نظامی و میلیتاریزه

کردن منطقه بعنوان یک سیاست و دوما فراهم کردن امکانی به پا گرفتن و تثبیت حکومت شوراهای است. اینکه مخالفت سیاسی دولتها با هم الزاماً باید به جنگ کشیده شود سیاست قدرتهای ارتجاعی جهانی و منطقه ای است.

«کنگره» خواهان ادامه و نه سد بستن در مقابل انقلاب خود و گسترش بی وقفه بهبود شرایط زندگی و آسایش و امنیت مردم و پایان دادن به بی ثباتی دائمی که جمهوری اسلامی با آن زاده شده و مرتباً به آن دامن زده است، می باشند. این خواست نه فردا و پس فردا، بلکه خواست واقعی امروز در کل جامعه ایران است. شعارهای تظاهرات ها و اعتراضات علیه جمهوری اسلامی و خواست پایان دادن به این نا امنی حاکم در ایران، همه جا شنیده میشود و بخشی از کل خواسته های مردم است. «کنگره سراسری شوراهای»، بر خلاف سیاست اعلام شده سایر نیروهای سیاسی، این خواسته مردم را بیان و منعکس می کند و به این دلیل هم نیازی به انتظار و صبر کردن برای آینده، جایز نبوده و نیست. ثبات و صلح به اندازه تامین رفاه، آزادی سیاسی، تامین معیشت و ... امر امروز بخش اعظم مردم در ایران است.

فراتر اینکه، این بند «آشتی»، نه یک بند مجزا، بلکه بخشی از یک سیاست پیوسته به هم یعنی «لغو تمام قراردادهای اسارت بار سیاسی، اقتصادی نظامی، اعلام آشتی با همه کشورهای همسایه، دولت ها و مردم در کشورهای مختلف» است. مسلماً قراردادهای اسارت باری که به ایران تحمیل شده و یا جمهوری اسلامی به انجا گوناگون به مردم در کشورهای دیگر تحمیل کرده است، همگی لغو می شوند. به این ترتیب آشتی با مردم در کشورهای مختلف هم بخشی از این بند است. به عبارت دیگر اعلام آشتی با مردم کشورها هم از دستورات فوری و قابل اجرا می باشد. به این ترتیب، سیاست «کنگره سراسری شوراهای» در مقابل فجایعی که باند طالبان و شرکا، در افغانستان مرتکب شده و می شوند نیز مانند خواست و مطالبه ای است که امروز مردم ایران همصدا با مردم افغانستان اعلام کرده و میکنند.

همین امروز همه شاهد موج عظیمی از همدلی و هم پیمانی از جانب مردم ایران به مردم افغانستان بر علیه طالبان، هستیم. مردمی که در فردای پس از جمهوری اسلامی با انتخاب نمایندگان واقعی خود، برای اولین بار در ایران، «حکومت مردم بر مردم» را در شوراهایشان متحقق کرده اند، همین سیاست را دنبال می کنند. «کنگره سراسری شوراهای»، بر خلاف دولت های همسایه که مرزها را به روی فراریان از جهنم طالبان بسته اند و از هرگونه یاری و کمک رساندن به مردم افغانستان سر باز می زنند، دست دوستی و هم پیمانی با مردم افغانستان را دراز میکنند.

برخلاف مثلاً سیاست جمهوری اسلامی و مداخلات با طالبان، یا حتی ناسیونالیست های دواآتشه ای که هنوز بر سیاست های تبعیض آمیز علیه مردم و کارگران و مهاجران افغان پافشاری می کنند، مردم ایران همین امروز همیاری و انساندوستی عمیق خود را نشان داده اند. تفاوت این درجه بالا از ابراز انسان دوستی و هم یاری مردم در ایران با مردم افغانستان، و استقبال از این مردم با آغوشی باز که در ایران شاهد هستیم، با مداخلات جمهوری اسلامی با طالبان، بیش از حد واضح است. «کنگره سراسری شوراهای» بدون شک همین سیاست انسانی دوستی با مردم کشورهای دیگر را بطور قانونی ادامه داده و خواهند داد. «کنگره سراسری شوراهای» هیچ وقعی به سیاست های نزاع با مردم کشورهای دیگر را برسمیت نمی شناسد و بر عکس در کنار این مردم مانده و خواهد ماند. بطور خلاصه، از همین امروز باید روشن باشد که «کنگره سراسری شوراهای» چه رابطه ای با کشورهای دیگر و مشخصاً با کشورهای همسایه برقرار میکند و نه تنها به تخصیصات موجود دامن نمی زند، بلکه خواهان کاهش و پایان دادن به آن است. این انکشاف همان خواسته ای که مردم در ایران مدت هاست اعلام کرده اند.

بیانیه حقوق جماعشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهای است

اسرائیل در تعرض به جان و میلیونها نفر از مردم فلسطین، اشغال مناطق بیشتر و قدرتی‌گیری راست افراطی در اسرائیل است.



جهان پس از «جنگ علیه تروریسم» و جدال دو قطب تروریسم اسلامی و تروریسم سازمان یافته امریکا، جهانی نا امن تر و میلیتاریزه شده است. شکست امریکا در عراق، شکست «نظم نوین جهانی»، سپردن افغانستان به طالبان و القاعده،

که قرار بود در «جنگ علیه ترور» توسط چکمه پوشان امریکایی نابود شوند، نه فقط تثبیت قدر قدرتی امریکا در جهان را دود کرد، که تمام حق به جانبی ایدئولوژیک امریکا در این جنگ و سیاست میلیتاریسم و حمله نظامی بعنوان مطلوب ترین راه هر کشمکش و جدالی را در چشم جهانیان زیر سوال برد. بشریت امروز که بیست سال این توحش و جنایت را زندگی و تجربه کرده است، بیدار و خودآگاه تر از بیست سال پیش دیوار فریب «گسترش دموکراسی»، «جنگ علیه ترور» و ... را به زیر کشیده است.

بیداری که امروز به موجی از خشم و نفرت در کشورهای غربی از هزینه های هنگفت مالی و انسانی، از تاثیرات این سیاست در گسترش دامنه عمل تروریسم اسلامی از جهان سوم به قلب اروپا و امریکا، از تبدیل شدن جنگ، کشتار و بربریت به بخشی از زندگی بشریت، تبدیل شده است. بشریت متمدنی که سالها زیر آوار تبلیغات و مغزشویی در غرب خفه شده بود، مردمی که زیر پروپاگاندا «ضد امپریالیستی» و مهمتر از آن زیر سرکوب و ارباب در شرق به سکوت کشیده شده بود، امروز به میدان آمده اند.

قدرتی‌گیری مجدد طالبان در افغانستان پیروزی کوتاه مدتی برای این نیروی ارتجاعی خواهد بود. همانطور که جمهوری اسلامی در حاکمیت با جنبشی اجتماعی و توده ای علیه حاکمیت و حیات خود روبرو است و شمارش معکوس حیاتش شروع شده است، طالبان و القاعده، بعنوان حاکمیت در افغانستان از همین امروز با جنبشی علیه توحش و بربریت اسلامی روبرو است که زنان در راس آن قرار گرفته اند. «پیروزی» قطب ارتجاع اسلامی طول عمری کمتر از یک «دم و باز دم» در رویدادهای سیاسی دارد و در واقع مرده بدنی آمده است!

خروج نیروهای نظامی امریکا از خاورمیانه، رها کردن خاورمیانه به دست نیروهای منطقه ای، همزمان که دور جدیدی از تنشها میان قدرتهای منطقه ای را بوجود می آورد اما امکان و میدان را برای جنبشهای آزادخواهانه، رادیکال و سوسیالیستی در خاورمیانه، را هم مهیا میکند. این جنبش بعنوان بخش جدی «نیروی منطقه ای» میتواند و باید مهر خود را بر تحولات آتی در خاورمیانه بزند.

بشریت متمدن، جنبش های مترقی و مردمی و جنبش کارگری- سوسیالیستی برای کوتاه کردن دست تروریستهای دولتی و غیر دولتی، برای خلاصی از بربریت کاپیتالیستی خود را آماده میکنند.

شکست امریکا در عراق، شکست «نظم نوین جهانی»، سپردن افغانستان به طالبان و القاعده، که قرار بود در «جنگ علیه ترور» توسط چکمه پوشان امریکایی نابود شوند، نه فقط تثبیت قدر قدرتی امریکا در جهان را دود کرد، که تمام حق به جانبی ایدئولوژیک امریکا در این جنگ و سیاست میلیتاریسم و حمله نظامی بعنوان مطلوب ترین راه هر کشمکش و جدالی را در چشم جهانیان زیر سوال برد. بشریت امروز که بیست سال این توحش و جنایت را زندگی و تجربه کرده است، بیدار و خودآگاه تر از بیست سال پیش دیوار فریب «گسترش دموکراسی»، «جنگ علیه ترور» و ... را به زیر کشیده است.

بیداری که امروز به موجی از خشم و نفرت در کشورهای غربی از هزینه های هنگفت مالی و انسانی، از تاثیرات این سیاست در گسترش دامنه عمل تروریسم اسلامی از جهان سوم به قلب اروپا و امریکا، از تبدیل شدن جنگ، کشتار و بربریت به بخشی از زندگی بشریت، تبدیل شده است. بشریت متمدنی که سالها زیر آوار تبلیغات و مغزشویی در غرب خفه شده بود، مردمی که زیر پروپاگاندا «ضد امپریالیستی» و مهمتر از آن زیر سرکوب و ارباب در شرق به سکوت کشیده شده بود، امروز به میدان آمده اند.

ارتجاع اسلامی که در منطقه و بویژه در ایران، با فشار اجتماعی مردم آزاده در ایران و در سراسر جهان روبرو بود، برای تغییر موقعیت خود از جنبشی رو به افول به جنبشی «مشروع» و «ضدامپریالیستی» و تقویت خود بعنوان «یکی از شرکای قدرت در خاورمیانه»، به این جنگ و رودرویی نیاز داشت. این جنگ برای تروریسم اسلامی جنگی برای بقاء و بهبود موقعیت رو به افول خود بود. امری که به قیمت تخریب چندین جامعه انسانی و کشتار های دستجمعی مردم بیگناه در شهرها و روستاهای خاورمیانه و در کشورهای غربی، از یک طرف در کالبد بی جان جنبش مشرف به موت اش، نفسی دمید و به طول عمر آن اضافه کرد و از طرف دیگر برکتی در دامن تروریسم دولتی و میلیتاریسم گذاشت و جهانی را دو دهه میدان جنگ و کشتار و ویرانی کرد.

طرف دیگر این جنگ، امریکا، برای تثبیت موقعیت خود نه در مقابل اسلام سیاسی و باندهای تروریست آن، که در مقابل رقبای غربی خود، برای تثبیت موقعیت «ابرقدرتی» خود و در ادامه «نظم نوین جهانی»، با اتکا به میلیتاریسم عربان و لجام گسیخته، با پرچم «جنگ علیه ترور» و «جدال مدنیت با تروریسم»، توانست غرب و قدرتهای جهانی را به تمکین و قبول قدر قدرتی و بویژه قدر قدرتی نظامی امریکا بکشاند.

سختی های جرح بوش و اعلام شروع «جنگی جدید»، «جنگی بدون مرزهای روشن و محدودیت زمانی»، «جنگی که تا ریشه کن کردن تمام گروههای تروریستی در جهان پایان نخواهد یافت» و تقسیم جهان به دوستان و دشمنان امریکا، اینک «جنگی که در آن هر ملت و هر منطقه ای باید انتخاب کند که آیا با امریکا است یا با تروریستها!!» را جهانیان به یاد دارند. بیست سال پس از آن فریب و تمیق، با برنده شدن هر دو قطب تروریسم جهانی، موج برگشته است، ناچار است برگردد!

توحش تروریستهای اسلامی و سیاهی سایه هراس، ناامنی و رعب و وحشت به حق از ظرفیت جنایتکارانه آنها، مستمسک و توجیه ایدئولوژیک و اخلاقی برای اعلام «جنگ علیه ترور» و حمله به افغانستان و پس از آن عراق، پاکستان، لیبی، سوریه، یمن و سومالی، توجیهی برای تعرض به حقوق مدنی و آزادی های سیاسی در غرب و بالاخره توجیهی برای مشروعیت دادن به میلیتاریسم و حمله نظامی و کشتار و قتل عام بعنوان تنها راه تغییر در خاورمیانه و منطقه، از طرف امریکا و متحدینش شد. بی دلیل نیست که با افتخار اعلام میکردند که «کشور مقابل (دشمن) را با بمب به عصر حجر برمیگردانیم!» اما برکات این تعرض که محصول آن بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان است، در سراسر جهان با مقاومت بشریت متمدن مواجه شده است.

«جنگ علیه ترور» امریکا و حمله نظامی به افغانستان، تبدیل نه فقط افغانستان که کل منطقه به صحنه جنگ و کشتار، آوارگی و بی خانمانی و یک تراژدی انسانی عظیم و همانطور که قول داده بودند، سرآغاز بازگرداندن منطقه به عصر حجر و احیا ارتجاعی ترین و گندیده ترین نیروهای قومی و مذهبی در منطقه و سهیم کردن آنها در دولتهای موزائیکی قومی، مذهبی و عشیره ای بود. عصری که امروز پسرآمده است. این را مقاومت زنان در افغانستان و صدای فریاد جهانی علیه عصر حجر ساخته دست «جهان آزاد» نشان داده اند.

علاوه بر این در جهان غرب، «جنگ علیه ترور» به «جنگ مدنیت غرب و توحش شرق» معنی شد و بهانه ای برای تعرض سیاسی و ایدئولوژیک، دست راستی و ارتجاعی به ارزشها، فرهنگ و اخلاقیات انساندوستانه مردم شد. تعرضی که از همان ابتدا با مقاومت بشریت متمدن روبرو شد. مقاومتی که خود را در اعتراضات میلیونی به حمله به عراق، به «دخالت بشردوستانه» در سوریه، به «کمک به انقلاب» لیبی و به سیاستهای میلیتاریستی غرب و در راس آن امریکا در جهان خود را نشان داد.

نتیجه بیست سال جنگ تروریستها تا امروز، نزدیک به ۹۲ هزار همباران هوایی مردم بیگناه در عراق، افغانستان، پاکستان، سوریه، لیبی، یمن و سومالی، یک میلیون کشته و ۶۲ میلیون آواره جنگی، نابودی مدنیت در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی و سومالی، تباهی زندگی دو نسل و تبدیل تروریسم اسلامی و دولتی به بخشی ثابت از زندگی بشریت از بغداد تا پاریس و از کابل تا لندن است. نتیجه بیست سال «جنگ علیه ترور» لجام گسیختگی دولت فاشیست

صدوچهل سال از اختراع تلفن گذشت؛ صدویست سال از اختراع اشعه ایکس می‌گذرد؛ سیصدوپنجاه سال از اختراع اولین سرنگ گذشت؛ صدوپنجاه سال از اختراع اولین دماسنج پزشکی سپری شد. نود و سه سال از کشف پنی‌سیلین گذشت؛ شصت‌وشش سال از کشف واکسن فلج اطفال گذشت. صدوچهارده سال از علت مالاریا و کشف واکسن آن می‌گذرد. تمام این کشفیات و سایر اختراعات در تاریخ بشر را به وجه خیره‌کننده سیمای امروز جهان، یعنی پیشرفت‌های مردم فزاینده در عرصه علم و تکنیک گره بزنید؛ انفورماتیک، مهندسی ژنتیک، کپی کردن موجودات زنده در آزمایشگاه، اینترنت، سفر انسان به ماه، هوش مصنوعی، صنعت بیو- الکترونیک، جزئی از آن صدها دستاورد انسانی در نیم‌قرن گذشته است که اغلب حتی برای متفکرین و دانشمندان اوایل قرن بیستم هم خواب و خیال و غیر قابل تصور می‌نمودند.

اما وجه تکان‌دهنده جهان امروز اینست که اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان از این امکانات و دستاوردها محرومند! میلیون‌ها انسان در جهان از مالاریا و ابولا و کرونا و بیماری‌های قابل پیشگیری جان می‌سپارند. هزاران نفر هر روز از فرط گرسنگی می‌میرند؛ آسانی که شانس زنده ماندن دارند، برای بقاء محکوم به اعمال شاقه تحت قانون بردگی مزدی‌اند. میلیون‌ها کودک بعنوان نان‌آور خانواده مجبورند تمام وقت کار کنند. میلیون‌ها انسان بی‌سرپناهند و به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. میلیون‌ها انسان در «صنعت سکس» بکار گرفته شده‌اند و ... تصور اینکه در قرن بیست‌ویکم، علیرغم وفور تلی از ثروت و امکانات رفاهی، این سیمای زشت جهان ماست و صنعت اسلحه‌سازی پرسودترین صنعت دنیاست و دست هزاران هزار بچه، اسلحه داده‌اند تا بکشند یا کشته شوند، در مخیله هیچ بنی‌بشری نمی‌گنجد!

سردمداران نظام «دمکراسی پارلمانی» که در اوایل شیوع کرونا مشغول حادای افکار عمومی بودند تا به تقلید از «کوره‌های آدم‌سوزی» فاشیسم هیتلری به میلیون‌ها انسان بقبولانند که «مرگ گله‌ای» شهروندان در مقابل پاندمی کرونا، به نفع «دمکراسی» و «اقتصاد» است، همان‌ها که جار می‌زدند که «اقتصاد در بحران است»، «پول نداریم»، همان دولت‌های بورژوازی و مفسرین آن که شرایط شیوع این پاندمی را ممکن کردند و زمینه را برای چنین کشتار و تصفیه وحشیانه‌ای در جهان مهیا کردند، امروز از فرط ذخیره واکسن در انبارهایشان در مضیقه‌اند. واقعیت اینست که تهیه واکسن، دارو و تدارک دیدن تجهیزات لازم برای پاندمی کرونا ابتدا پیچیده‌تر از تولید و تدارک تسلیحات مدرن میلیتاریستی نبود و نیست که از دو دهه پیش مهیا و قابل پیشبینی بود. این پاندمی نشان داد که در نظام سرمایه‌داری هرچا طبقه حاکم، دولت‌ها و تراست‌های غول‌پیکر اقتصادی آن ایجاب نکنند، همه امکانات، توانمندی‌ها و دستاوردهای تکنیکی و علمی بشر از کار خواهند افتاد. کشتار دسته‌جمعی شهروندان در قلب جوامع اروپایی بویژه در انگلستان و آمریکا، بعنوان رئیس و روسای «جهان آزاد»، انبار کردن بی‌شمارانه میلیاردها دز واکسن در مهد «دمکراسی غربی» توسط انحصارات مالی، دوباره چهره کریه نابرابری، تمایزات، استانداردها، دوگانه، تبعیضات و تضادهای اجتماعی حتی در قبال شهروندان کشورهای حوزه متروپل را به نمایش می‌گذارد. تنها یک نمونه، تصاویری است از هزاران هزار قلب سرخ به یاد قربانیان کرونا روی دیواری در امتداد ساحل جنوبی رود تیمز در لندن، که لکه ننگ دیگری بر پیشانی کارکرد نظام سرمایه‌داری، هیئت حاکمه بورژوازی در بریتانیا و عمارت پارلمان آن شد؛ در جوامع غربی که تاریخا و سنتا، شهروندان به دولت به دیده «معمد» می‌نگریستند و توقع عمومی این بود که «دولت می‌خواهد و می‌تواند» چنین پاندمی‌هایی را بدون کمترین تلفات کنترل کند، اما کرونا کوچکترین توهمی باقی نگذاشت که دولت‌های بورژوازی در «جهان غرب» نیز حتی لیاقت یک‌روز حاکمیت را ندارند. این حال و روز «سردمداران» جهان امروز در «دمکراسی پارلمانی» و در چشم شهروندان این جوامع است که یکی پس از دیگری از اعتبار ساقط شده‌اند. کرونا آشکار کرد که در مقایسه با سایر نقاط جهان مانند ایران و عراق و خاورمیانه و آفریقا که این و آن شاه و رئیس قبیله یا «ولی فقیه» که نطفه حاکمیت‌شان را بر سرنیزه استبداد و سرکوب مطلق شهروندان بسته‌اند و با یک فتوا علیه واکسن، رسماً صدها هزار نفر را قربانی کرونا می‌کنند، به موازات آن هم دولت‌ها در جوامع «آزاد» غربی نشان داده‌اند که زندگی و سرنوشت شهروندان‌شان فاقد کمترین ارزش است.

اما شاید جهان ما اگر تنها صحنه میداننداری و رقابت کارتل‌ها و دولت‌های بورژوازی بر سر تقسیم سود و قدرت بود، اگر «حقایق» تنها توسط ژورنالیسم جنگی و مفسرین آنها به خورد جامعه داده می‌شد، نیازی هم به مبارزه و مقاومت نبود. امروز امپراتور برهنه است و دنیا بیدار است و می‌بیند که مسیبین به‌تباهی‌کشاندن زندگی بشر در قرن بیست‌ویکم، نظام بازار و «دمکراسی پارلمانی» حاکم بر قرن بیست‌ویکم است. همین اصل «بیداری» است که اکنون همه حاکمان جهان را به طرز عجیبی در برابر محکومان به زامبی‌های بی‌دندانی تبدیل کرده است که کسی تحویل‌شان نمی‌گیرد و از آنها حساب

نمی‌برد. چه کسی باور می‌کند که با این پشتوانه عظیم از اختراعات، دانش، صنعت و تکنولوژی، نمی‌توان فقر، جهالت، عقبماندگی، کمبود، نابرابری و طاعون کرونا را شکست داد؟! چه کسی باور می‌کند که نمی‌توان بر مشقات میلیون‌ها انسان پایان داد اما می‌شود به کره ماه رفت، زیر اقیانوس‌ها تونل زد، جاده ابریشم کشید و هواپیماهای هیدروژنی طراحی کرد؟!

امروز آنچه از منظر افکار عمومی در حال فروپاشی است بنیادهای سیاسی و فکری نظام اجتماعی حاکم بر جهان ماست که در آن آنچه اهمیت دارد منطق خدای سرمایه، یعنی سود است. جنگ اقتصادی دولت‌ها و تراست‌هایی که به خرج اکثریت عظیم طبقه کارگر و شهروندان محروم جوامع، جیب اردوی اقلیت انگل سرمایه که مالک وسائل تولیدند را پر می‌کنند. این گردنه‌بگیری و بی‌عدالتی در دسترسی برابر و کافی به واکسن کرونا و امکانات رفاهی برای میلیاردها انسان محروم در جهان، برای احدالناسی قابل قبول نیست. کشمکش و رقابت سیاسی - اقتصادی دولت‌های موجود، بلوک‌بندی‌ها و یارگیری‌های ارتجاعی میان آنها، با منفعت اکثریت مردم جهان در تضاد و تناقض است؛ سیاست ضد انسانی توزیع نابرابر و نا عادلانه واکسن و امکانات رفاهی میان شهروندان جهان را باید بر سر همه دولت‌های موجود در جهان، از «خوشخیم»ترین الگوهای آن در جوامع غربی تا بدخیم‌ترین غده‌های عفونی آن در جوامع خاورمیانه و آفریقا، خراب کرد. تنها نیاز واقعی بشری که این نظام جهنمی به آن پاسخ می‌دهد، تولید گورکنان خویش است. این نظام از کولبران کردستان ایران تا گردانندگان نیروگاه‌های هسته‌ای آن سر دنیا را به بردگان مزدی تبدیل کرده است. بردگانی که شیشه عمر نظام وارونه سرمایه‌داری را در دستان خود دارند؛ طبقه کارگری که قدرت خود را از بی‌اعتبار شدن کل سرمایه‌داری و از بی‌آبرو شدن دمکراسی بازار می‌گیرد. گردان طبقه‌ای که نیروی خود را از شرایط امروز سرمایه‌داری و نظام تا خرخره در بحران فرو رفته و از دنیای آبست تحولات بزرگ می‌گیرد. این طبقه قدرت خود را از آنچه می‌گیرد که مارکس و انگلس در دوره خود از آن تحت نام «شیخ کمونیسم» نام برده‌اند. تنها اراده این بردگان مزدی است که جهان سرمایه را با تمام ارکان و مناسبات ضد انسانی آن از حرکت باز می‌دارد. تنها با «اداره شورایی جامعه» می‌توان نیازمندی‌های اساسی جامعه بشری را تولید و توزیع و سازمان داد؛ تنها با تکیه بر آرمان و اهداف مساوات‌طلبانه و آزادیخواهانه طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه است که بشریت از جهنم کاپیتالیستی رها خواهد شد؛ تنها یک انقلاب کارگری می‌تواند زنجیر بردگی، فقر و بیماری و بیکاری را پاره کند و حکام استثمارگر را به سزای اعمال خود برساند. این آن شبی است که امروز همه‌جا حضور دارد، مردم را متحد می‌کند، خود - سازماندهی محلی اجتماعات و تشکیل کمون‌ها را ضروری می‌کند و هیچ راه فراری در برابر زایش جهان نو باقی نگذاشته است.

مردم آزاد بخواه!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید! باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواسته‌های شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به آزادی، رفاه، حکومت شورایی، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

این تهدید و گردن‌کشی شکست خواهد خورد!

در حاشیه تهدیدات سپاه پاسداران علیه مردم کردستان و اپوزیسیون مستقر در آنجا

ورود و هزیمت آمریکا نتیجه ای جز سپردن خاورمیانه به دست انواع وحوش قومی و اسلامی در پی نداشته است. خاورمیانه امروزی، خاورمیانه خوین، خاورمیانه ویران شده، عروج انواع داعش، طالبان، القاعده و بعلاوه دخالت دولتهای مرتجع منطقه و از جمله جمهوری اسلامی، تخاصمات میان این دولتها، تلاش آنها برای بهبود و تحکیم موقعیت محلی و منطقه ای خود و مخاطراتی که برای مردم محروم خاورمیانه ایجاد میکنند، نتیجه مستقیم سیاستهای مخرب دول غرب و بیش از همه آمریکا تا این لحظه بوده است. سپردن افغانستان به دست طالبان و رها کردن گردن خود از زیر بار مسئولیت در مقابل مردم این کشور، سیاست سرراست غرب در این منطقه است. بر متق چنین اوضاعی و در دل بلبشو و هرج و مرج موجود در منطقه، فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران فرصت را غنیمت شمرده و مردم کردستان عراق و بعلاوه نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق را تهدید به حمله نظامی کرده است. «محمد پاکپور» فرمانده نیروی زمینی سپاه به مردم و خانواده هایی که در اطراف پایگاه های نیروهای اپوزیسیون کرد مستقر در این منطقه زندگی می کنند هشدار داده است و تهدید کرده است که اطراف این پایگاهها را خالی کنند. پایگاه های موجود در عمل مرکز زندگی خانواده ها و کودکان و فرزندان افراد اپوزیسیون هستند. تهدید نظامی مردم کردستان عراق، خانواده و بستگان نیرو های اپوزیسیون جمهوری اسلامی و احزاب و جریانات مستقر در این منطقه، نه تنها قلدری و افسارگریختگی جمهوری اسلامی که بعلاوه بیان آشکار تروریسم این حاکمیت است. اقدام جمهوری اسلامی برای حمله نظامی و تهدید مردم کردستان عراق و نیروهای اپوزیسیون کرد مستقر در این منطقه، گوشه ای از تلاش این حاکمیت برای نشان دادن توان نظامی و قلدری در منطقه با هدف نجات حاکمیت از زیر ضرب جنبش اعتراضی و انقلابی در خود ایران و در سطح سراسری است. نظامی که در دور اخیر به وسعت کل جامعه ایران با موج عظیم اعتراضات اجتماعی بر علیه فقر و فلاکت، تورم و گرانی و برای رفاه و آزادی و ... روبرو بوده است. حاکمیتی که در برابر جامعه معترض ایران به زانو در آمده، تلاش خواهد کرد به هر بهانه ای توازن قوا را به نسبت خود از جمله با موشدوانی در عراق، در یمن و در سوریه و... تغییر دهد. چنین تهدیدهایی نمی تواند خارج از این تلاش معنی پیدا کند. تلاشی که به طور قطع با شکست روبرو خواهد شد. فضای نفرت و بیزاری و اعتراضی بر علیه حاکمیت بورژوا اسلامی چنان در جامعه عمیق است که تغییر توازن قوا و پیشروی حاکمیت را با شدت به شکست می کشاند. اینرا جامعه اعتراضی ایران تضمین خواهد کرد.

مردم چه در کردستان ایران و چه در کردستان عراق نیز نباید به جمهوری اسلامی اجازه دهند که چنین تحرکات و تهدیدهایی را ایجاد نماید. نباید اجازه دهند که این وحوش درنده حاکم در ایران، به هر بهانه ای محیط زندگی مردم را به میدان تروریسم عنان گسیخته خود تبدیل کنند. باید متحدانه و در سطحی گسترده در برابر تلاشهای جمهوری اسلامی برای نا امن کردن منطقه اعتراض کرد. بعلاوه احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق که هر کدام با یکی از دول مرتجع و تروریسم منطقه از جمله جمهوری اسلامی و ترکیه در ساخت و پاخت اند و پای آنها را به کردستان عراق باز کرده اند، در مقابل چنین تهدیدهایی و هر اعمال تروریستی ایران مسئولند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) تهدید مردم کردستان عراق و بعلاوه اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق و خانواده های آنها را محکوم می کند. دفتر کردستان به مردم کردستان عراق فراخوان می دهد که در برابر تهدیدهای علنی و تروریستی سپاه پاسداران در سطحی وسیع و اجتماعی اعتراض نمایند و اجازه ندهند که جمهوری اسلامی و دول مرتجع منطقه در سایه حاکمیت احزاب میلیشیایی در این منطقه و در ساخت و پاخت با آنها محیط و محل زندگی آنها را نا امن و تروریزه نماید. باید متحد شد، باید اعتراض کرد و باید تلاشهای جمهوری اسلامی را به شکست کشاند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۸ سپتامبر ۲۰۲۱

اگر دنیا دست ما باشد

اگر دنیا دست ما باشد جنگ و آوارگی و فراری در کار نخواهد بود؛ صلح و آرامش گذرگاه‌هایش را می‌آرایند..

اگر دنیا دست ما باشد هیچ انسانی از بی‌سرباهی و ناپیمنی در عذاب نخواهد بود؛ سعادت و خوشبختی به وفور یافت می‌شود..

اگر قدرت دست طبقه کارگر و شوراهای مردمی باشد، فقر، فلاکت و بی‌خانمانی رخت برخواهد بست..

اگر جهان به دست ما کمونیست‌ها باشد، تمام گانگسترهای قومی - مذهبی، تمام باندهای دست‌ساز

«دمکراسی غربی» را با قدرت سرخ خود، با میلیس توده‌ای و مردمی از صحن جامعه جارو خواهیم کرد.

اگر در ایران قدرت به دست دنگره سراسری شوراهای مردمی باشد، مهر باطل بر سیاست‌های ارتجاعی،

تروریستی و رقابت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی با سایرین خواهیم کوبید و پیمان صلح و آشتی با همه

کشورهای جهان خواهیم بست!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

Worker communist Party - Hekmatist
(Official Line)
hekmatist.com



کارگران سوسیالیست، رفقای کمونیست

متحد کردن طبقه کارگر در شوراهای
کارگری خود، در شوراهای مردمی محله و
شهر رسالت و وظیفه شما است! جامعه چشم
امید به شما دوخته است.

برای به پیروزی رساندن این فروش
میلیونی دست به کار شوید!

راهی جز متشکل شدن در شوراهای

و سازمان های مردمی نیست!

برای گرفتن حق خود،

برای «اداره شورایی جامعه»

متحد و

دست به کار شویم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

Worker communist Party - Hekmatist
(Official Line)
hekmatist.com



نه قومی نه مذهبی زنده باد همبیت انسانی

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

مردم آزادیخواه!

طغیان میلیونی و متحدانه شما علیه بی‌آبی و بی‌برقی، گرانی و بیکاری، فقر و فساد و بی‌مسئولیتی انگل‌های در حاکمیت، اعتراض به دهها و دهها درد درمان نشده جامعه هشتاد میلیونی به فقر و فلاکت کشیده شده ایران، باید به پیروزی برسد!

برای پیشروی و پیروزی باید فوری در ارگانهای اعمال اراده خود، متحد شوید!

در محل کار و محل زندگی، در شوراهای کارگری و مردمی، یا هر نهاد و ارگان و سازمان و شکلی که دخالت متحدانه و مستقیم شما از بطن جامعه را تضمین کند، متحد شوید!

باید اداره امور را در محله، شهر و در همه مشاغل جامعه، بدست گرفت!

باید حاکمان مرتجع و نالایق، این حامیان نظام فقر، سود و استثمار را که نه توان و نه خواست برآورده کردن ابتدایی ترین خواسته‌های شما را ندارد، مرخص کرد و کنترل زندگی خود را بدست گرفت.

حاکمیتی در کار نیست! باید مردم متشکل در شوراها حاکمیت کنند. برای دستیابی به «آزادی، رفاه، حکومت شورایی»، همین امروز، و فوراً دست به کار شوید!

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!